

تأثیر برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو بر ارتقای تفکر انتقادی دانش‌آموزان

۱. مریم احمدی: دانشکده علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۲. حبیب‌الله رجیب‌پور*: دانشکده علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو بر توسعه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان است. این مطالعه به روش تحلیل توصیفی انجام شده و نتایج پژوهش‌های مختلف در این زمینه را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که یادگیری مبتنی بر سناریو به طور کلی تأثیر مثبتی بر تفکر انتقادی دارد و می‌تواند بهبود قابل توجهی در مهارت‌های تحلیلی و تصمیم‌گیری دانش‌آموزان ایجاد کند. همچنین، نقش معلم در طراحی و اجرای این سناریوها به عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت برنامه‌های آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است. محدودیت‌های مطالعه شامل تنوع محدود در نوع سناریوها و تأثیر عوامل مختلف بر نتایج پژوهش‌ها می‌شود. پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده به بررسی دقیق‌تر سناریوهای متنوع‌تر و نقش عوامل مختلف در موفقیت این برنامه‌ها بپردازند. نتایج این مقاله می‌تواند به معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی در طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثرتر کمک کند.

واژگان کلیدی: یادگیری مبتنی بر سناریو، تفکر انتقادی، تحلیل توصیفی، آموزش و پرورش، نقش معلم

مقدمه

تفکر انتقادی به عنوان یکی از مهارت‌های اساسی قرن بیست و یکم شناخته می‌شود که در توسعه دانش‌آموزان و آمادگی آنها برای مواجهه با چالش‌های پیچیده زندگی نقش بسزایی دارد. با این حال، بسیاری از نظام‌های آموزشی هنوز در توسعه این مهارت در دانش‌آموزان با چالش‌های جدی روبرو هستند. یکی از مشکلات اصلی در این زمینه، تمرکز بیش از حد بر انتقال دانش به صورت منفعلانه و عدم توجه به توسعه مهارت‌های تحلیلی و تفکر انتقادی است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۹). در چنین شرایطی، استفاده از روش‌های نوین آموزشی که بتوانند دانش‌آموزان را به تفکر فعال و انتقادی تشویق کنند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

یکی از این روش‌های نوین آموزشی، یادگیری مبتنی بر سناریو است. این روش آموزشی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا در قالب سناریوهای واقعی و شبیه‌سازی‌شده، با مسائل مختلف مواجه شده و به تحلیل و بررسی آنها بپردازند. یادگیری مبتنی بر سناریو می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا مهارت‌های تفکر انتقادی خود را توسعه داده و درک عمیق‌تری از موضوعات مختلف پیدا کنند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که توجه کنیم به اینکه دنیای امروزی نیازمند افرادی است که بتوانند به‌طور مستقل فکر کنند، از دانش خود برای حل مسائل استفاده کنند و تصمیمات هوشمندانه‌ای بگیرند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰).

یادگیری مبتنی بر سناریو بر اساس مبانی نظری مختلفی قرار دارد که هر یک به نوبه خود بر اهمیت این روش تأکید دارند. یکی از این مبانی نظری، نظریه یادگیری ساخت‌گرایی است که بر این ایده استوار است که دانش‌آموزان با تعامل فعال با محیط و مواجهه با چالش‌های واقعی، بهتر یاد می‌گیرند و مفاهیم را بهتر درک می‌کنند. طبق این نظریه، یادگیری زمانی مؤثر است که دانش‌آموزان خود بتوانند به کشف مفاهیم بپردازند و دانش جدید را به دانش قبلی خود پیوند دهند (Piaget, 1972). یادگیری مبتنی بر سناریو دقیقاً به همین دلیل مورد توجه قرار گرفته است، زیرا این امکان را به دانش‌آموزان می‌دهد که در موقعیت‌های شبیه‌سازی‌شده، با مسائل واقعی مواجه شوند و برای حل آنها تفکر کنند.

تعریف یادگیری مبتنی بر سناریو به طور کلی شامل استفاده از داستان‌ها، موقعیت‌ها یا شبیه‌سازی‌هایی است که به دانش‌آموزان ارائه می‌شود تا در آنها به تحلیل و حل مسئله بپردازند. این سناریوها معمولاً به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش‌آموزان را به چالش بکشند و نیازمند استفاده از تفکر انتقادی برای حل مسائل باشند. تفکر انتقادی نیز به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که در آن فرد به طور فعالانه به تحلیل، ارزیابی و تفسیر اطلاعات می‌پردازد و به نتیجه‌گیری منطقی می‌رسد (Ennis, 1993). به عبارت دیگر، تفکر انتقادی به معنای ارزیابی بی‌طرفانه و تحلیلی اطلاعات و استفاده از آنها برای رسیدن به تصمیمات منطقی و مستدل است.

مطالعات پیشین نشان داده‌اند که برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو می‌توانند تأثیرات مثبتی بر توسعه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان داشته باشند. به عنوان مثال، تحقیقی که توسط حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) انجام شده است، نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو شرکت می‌کنند، نسبت به دانش‌آموزانی که از روش‌های سنتی آموزش استفاده

می‌کنند، از تفکر انتقادی بهتری برخوردار هستند. همچنین، مطالعه دیگری توسط جعفری و همکاران (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیده است که استفاده از سناریوهای پیچیده و واقع‌گرایانه می‌تواند مهارت‌های تحلیلی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان را بهبود بخشد. با این حال، تحقیقات موجود نیز نقاط ضعفی دارند. برخی از این مطالعات به دلیل محدودیت‌های زمانی و مالی، نتوانسته‌اند نمونه‌های کافی و متنوعی را شامل شوند. همچنین، در برخی موارد، طراحی سناریوها به گونه‌ای نبوده است که تمامی جنبه‌های تفکر انتقادی را پوشش دهد. این موضوع نشان‌دهنده نیاز به مطالعات بیشتر و طراحی دقیق‌تر برنامه‌های آموزشی است که بتواند به‌طور جامع‌تری به توسعه تفکر انتقادی بپردازد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶).

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که یادگیری مبتنی بر سناریو پتانسیل بالایی برای بهبود تفکر انتقادی در دانش‌آموزان دارد، اما برای بهره‌برداری کامل از این پتانسیل، نیاز به تحقیقات بیشتری وجود دارد که به بررسی جزئیات و پیچیدگی‌های این روش بپردازند و آن را بهبود بخشند.

هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو بر ارتقای تفکر انتقادی دانش‌آموزان است. این پژوهش سعی دارد با بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه، به این سؤال پاسخ دهد که آیا و تا چه میزان برنامه‌های آموزشی مبتنی بر سناریو می‌توانند باعث بهبود تفکر انتقادی در دانش‌آموزان شوند. پرسش‌های اصلی این تحقیق شامل موارد زیر است: آیا برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو تأثیر مثبتی بر توسعه تفکر انتقادی دانش‌آموزان دارند؟ چه عواملی در این برنامه‌ها بیشترین تأثیر را بر تفکر انتقادی دارند؟ و چگونه می‌توان این برنامه‌ها را به گونه‌ای طراحی کرد که بیشترین اثر را بر توسعه تفکر انتقادی داشته باشند؟ این مقاله در ادامه به بررسی ادبیات مرتبط با موضوع پرداخته و سپس در بخش روش‌شناسی به توضیح روش‌های مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها و نتایج می‌پردازد. در نهایت، نتایج حاصل از تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام شده ارائه و مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس نتیجه‌گیری کلی از پژوهش به عمل خواهد آمد.

روش‌شناسی پژوهش

برای انجام این پژوهش مروری با رویکرد تحلیلی توصیفی، از مجموعه‌ای از منابع علمی و پژوهشی معتبر استفاده شده است. این منابع شامل مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های تحقیقاتی و سایر مستندات مربوط به تأثیر برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو بر تفکر انتقادی است. منابع انتخاب‌شده باید بر اساس معیارهای خاصی انتخاب شده باشند؛ از جمله اعتبار علمی، اعتبار نویسندگان، و جدید بودن نتایج تحقیق. همچنین، برای انتخاب منابع از پایگاه‌های داده معتبر و کتابخانه‌های علمی استفاده شده است تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات به‌روز و صحیح است.

در این روش، داده‌های مورد نیاز از منابع مختلف جمع‌آوری و به دقت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این داده‌ها شامل نتایج تحقیقات پیشین، مقالات علمی، و مطالعات موردی است که به بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر سناریو بر تفکر انتقادی پرداخته‌اند. تحلیل توصیفی به معنای تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها و استخراج الگوها و روندهای کلیدی از نتایج مطالعات است. به‌طور خاص، به

شناسایی عواملی پرداخته می‌شود که بر ارتقای تفکر انتقادی تأثیرگذار هستند و نحوه‌ی اجرای برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو در این زمینه بررسی می‌شود.

برای تحلیل داده‌ها، از روش‌های توصیفی و مقایسه‌ای استفاده شده است. این روش‌ها شامل تحلیل محتوا و بررسی کیفی نتایج به‌دست‌آمده از منابع مختلف است. در این راستا، نقاط قوت و ضعف هر یک از مطالعات مورد بررسی قرار گرفته و نحوه‌ی تطابق نتایج آنها با اهداف تحقیق بررسی شده است. همچنین، نتایج مختلف به‌طور جامع تحلیل شده و تلاش شده است تا ارتباط بین برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو و ارتقای تفکر انتقادی به‌دقت مشخص شود.

یافته‌ها و نتایج

در این بخش از مقاله، نتایج حاصل از تحلیل توصیفی داده‌های جمع‌آوری‌شده از منابع علمی مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نتایج به بررسی تأثیر برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان می‌پردازد و به تجزیه و تحلیل عمقی موضوع در بستر یافته‌های پیشین و مطالعات مرتبط می‌پردازد.

تحلیل توصیفی داده‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو به طور کلی تأثیر مثبتی بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دارد. در تحقیقاتی که توسط حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) انجام شده است، دانش‌آموزانی که در برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو شرکت کردند، بهبود قابل‌توجهی در مهارت‌های تفکر انتقادی خود نشان دادند. این دانش‌آموزان در مقایسه با دانش‌آموزانی که از روش‌های سنتی آموزش استفاده می‌کردند، توانستند مسائل را با دقت بیشتری تحلیل کرده و راه‌حل‌های منطقی‌تری ارائه دهند. یکی از نتایج مهم این پژوهش‌ها، این است که یادگیری مبتنی بر سناریو باعث افزایش توانایی دانش‌آموزان در شناسایی و ارزیابی شواهد مرتبط با مسائل مختلف می‌شود. به عنوان مثال، در مطالعه‌ای که توسط جعفری و همکاران (۱۳۹۷) انجام شد، دانش‌آموزانی که در برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو شرکت کردند، توانستند به‌طور مؤثرتری از شواهد برای حمایت از استدلال‌های خود استفاده کنند و نقاط قوت و ضعف هر یک از جنبه‌های یک مسئله را به‌درستی شناسایی نمایند. این نتایج نشان‌دهنده تأثیر مثبت یادگیری مبتنی بر سناریو بر تفکر تحلیلی و انتقادی دانش‌آموزان است.

بحث درباره یافته‌های اصلی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یادگیری مبتنی بر سناریو نه تنها باعث بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی می‌شود، بلکه به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا اعتماد به نفس بیشتری در تحلیل مسائل پیچیده پیدا کنند. این موضوع به‌ویژه در تحقیق رنجبر و همکاران (۱۳۹۹) مورد تأکید قرار گرفته است، که نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که در محیط‌های یادگیری مبتنی بر سناریو قرار می‌گیرند، تمایل بیشتری به چالش کشیدن فرضیات و بررسی عمیق‌تر مسائل دارند. این یافته‌ها با مبانی نظری یادگیری ساخت‌گرایی که بر اهمیت تعامل فعالانه دانش‌آموزان با محیط یادگیری تأکید دارد، همخوانی دارد (Piaget, 1972).

مقایسه نتایج این مطالعه با نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که اگرچه همه مطالعات تأثیرات مثبت یادگیری مبتنی بر سناریو را بر تفکر انتقادی تأیید می‌کنند، اما شدت و میزان این تأثیرات ممکن است بسته به نوع سناریوها و شیوه‌ی اجرای آنها متفاوت

باشد. برای مثال، مطالعه‌ای که توسط کریمی و همکاران (۱۴۰۰) انجام شده است، نشان می‌دهد که سناریوهایی که به‌خوبی طراحی شده و شامل موقعیت‌های چالش‌برانگیز واقعی هستند، تأثیر بیشتری بر توسعه تفکر انتقادی دارند. در مقابل، سناریوهای ساده‌تر و کمتر چالش‌برانگیز ممکن است تأثیر کمتری داشته باشند.

یکی دیگر از نقاط مشترک میان تحقیقات مختلف، اهمیت نقش معلم در اجرای موفق برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو است. معلمان باید بتوانند سناریوهایی را طراحی کنند که نه تنها جذاب و مرتبط با موضوعات درسی باشند، بلکه دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی تشویق کنند. همچنین، باید به دانش‌آموزان فرصت کافی داده شود تا بتوانند در محیطی حمایتی به بررسی و تحلیل مسائل بپردازند. این موضوع در تحقیق نیازی و همکاران (۱۳۹۶) به خوبی نشان داده شده است، که در آن تأکید شده است که نقش معلم به عنوان یک راهنما و تسهیل‌گر در فرآیند یادگیری، یکی از عوامل کلیدی در موفقیت برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو است.

با این حال، برخی از مطالعات نشان داده‌اند که یادگیری مبتنی بر سناریو ممکن است برای همه دانش‌آموزان به یک اندازه مؤثر نباشد. برای مثال، حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که برخی دانش‌آموزان به دلیل عدم تجربه کافی در کار با سناریوها یا نداشتن مهارت‌های پایه‌ای لازم، ممکن است در ابتدا دچار مشکل شوند. این موضوع نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که به همه دانش‌آموزان، با توجه به سطح توانایی‌هایشان، فرصت موفقیت داده شود.

در نهایت، یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که یادگیری مبتنی بر سناریو یکی از روش‌های مؤثر برای توسعه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان است. این روش می‌تواند دانش‌آموزان را به چالش بکشد، آنها را به تعامل فعالانه با مسائل واقعی ترغیب کند و مهارت‌های تفکر انتقادی آنها را بهبود بخشد. با این حال، برای بهره‌برداری کامل از پتانسیل‌های این روش، نیاز به طراحی دقیق سناریوها، آموزش معلمان و ایجاد محیط‌های یادگیری حمایتی است.

بحث

تحلیل یافته‌های این تحقیق نشان داد که برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو به‌طور کلی تأثیر مثبتی بر توسعه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان دارند. یکی از پرسش‌های اصلی این پژوهش این بود که آیا یادگیری مبتنی بر سناریو می‌تواند مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان را بهبود بخشد. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعات مختلف نشان داد که دانش‌آموزانی که در این برنامه‌ها شرکت کردند، به‌طور قابل‌توجهی در تحلیل و ارزیابی مسائل و تصمیم‌گیری منطقی پیشرفت داشته‌اند (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). این نتایج با مبانی نظری یادگیری ساخت‌گرایی همخوانی دارد، که بر تعامل فعال دانش‌آموزان با محتوا و ایجاد دانش جدید از طریق تجربه‌های معنادار تأکید دارد (Piaget, 1972).

در تفسیر نتایج، می‌توان مشاهده کرد که یادگیری مبتنی بر سناریو با ارائه موقعیت‌های واقعی و چالش‌برانگیز، دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند تا به‌طور فعال در فرآیند یادگیری مشارکت کنند و مهارت‌های تحلیلی خود را تقویت نمایند. این روش نه تنها دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی تشویق می‌کند، بلکه به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم برای حل مسائل پیچیده را توسعه دهند

(جعفری و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین، نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که معلمان نقش کلیدی در موفقیت این برنامه‌ها ایفا می‌کنند. توانایی معلم در طراحی سناریوهای مناسب و ارائه حمایت‌های لازم به دانش‌آموزان از عوامل مؤثر در توسعه تفکر انتقادی است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶).

با این حال، این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز بوده است که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. یکی از محدودیت‌های اصلی، استفاده از مطالعات موجود بود که ممکن است نتایج آنها تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند روش‌های تحقیق، نمونه‌های انتخابی و شرایط آموزشی قرار گرفته باشد. همچنین، تنوع محدود در نوع سناریوهای مورد استفاده در این پژوهش‌ها ممکن است نتایج را محدود کرده باشد. برخی مطالعات نشان دادند که سناریوهای ساده‌تر تأثیر کمتری بر تفکر انتقادی دارند، در حالی که سناریوهای پیچیده و واقع‌گرایانه تأثیرات مثبت بیشتری نشان دادند (کریمی و همکاران، ۱۴۰۰). این مسئله نشان‌دهنده نیاز به پژوهش‌های بیشتر است که به بررسی دقیق‌تر نوع و ساختار سناریوهای مورد استفاده در برنامه‌های یادگیری بپردازند.

برای پژوهش‌های آینده در حوزه یادگیری مبتنی بر سناریو و تفکر انتقادی، پیشنهاد می‌شود که مطالعاتی با استفاده از سناریوهای متنوع‌تر و پیچیده‌تر انجام شود. همچنین، بررسی تأثیر عوامل مختلف مانند تجربه معلمان، سبک یادگیری دانش‌آموزان و محیط‌های آموزشی مختلف بر نتایج یادگیری مبتنی بر سناریو می‌تواند به درک بهتر از این روش و بهینه‌سازی آن کمک کند. علاوه بر این، انجام تحقیقات تجربی با نمونه‌های بزرگتر و متنوع‌تر از دانش‌آموزان می‌تواند به تعمیم‌پذیری نتایج کمک کند و توصیه‌های دقیق‌تری برای طراحی برنامه‌های آموزشی ارائه دهد.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی نتایج این مقاله، می‌توان گفت که یادگیری مبتنی بر سناریو یکی از روش‌های مؤثر برای توسعه تفکر انتقادی در دانش‌آموزان است. نتایج تحقیقات نشان داد که این روش می‌تواند به بهبود مهارت‌های تحلیلی، ارزیابی و تصمیم‌گیری منطقی در دانش‌آموزان کمک کند (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). علاوه بر این، نقش معلمان در طراحی و اجرای سناریوهای آموزشی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت این برنامه‌ها مورد تأکید قرار گرفت.

از نظر تأثیرات عملی، نتایج این پژوهش می‌تواند به معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی کمک کند تا برنامه‌های یادگیری مبتنی بر سناریو را به‌طور مؤثرتری در کلاس‌های درس پیاده‌سازی کنند. این روش می‌تواند به توسعه مهارت‌های ضروری قرن بیست و یکم مانند تفکر انتقادی و حل مسئله در دانش‌آموزان کمک کند و آنها را برای مواجهه با چالش‌های پیچیده‌تر آماده سازد (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۹).

پیامدهای این تحقیق برای معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی، نشان‌دهنده اهمیت طراحی و اجرای سناریوهای آموزشی است که به‌طور خاص برای تقویت تفکر انتقادی طراحی شده‌اند. همچنین، نتایج این تحقیق می‌تواند به محققان کمک کند تا پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام دهند و به بهینه‌سازی روش‌های یادگیری مبتنی بر سناریو کمک کنند.

منابع

- حسن‌زاده، م.، نیکزاد، ع.، و کیانی، س. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر سناریو بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره متوسطه. *مجله پژوهش‌های آموزش و پرورش*، ۴۵(۲)، ۱۴۵-۱۲۳.
- جعفری، ف.، موسوی، ح.، و کریمی، ع. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر سناریوهای آموزشی بر مهارت‌های تحلیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی*، ۵۳(۳)، ۷۸-۹۸.
- رنجبر، س.، ملکی، م.، و احمدی، ز. (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های آموزش تفکر انتقادی در مدارس ایران. *مجله آموزش و توسعه انسانی*، ۳۷(۴)، ۱۶۵-۱۸۹.
- کریمی، ع.، شریفی، م.، و حسینی، ر. (۱۴۰۰). نقش یادگیری مبتنی بر سناریو در ارتقای تفکر انتقادی: مرور نظام‌مند. *فصلنامه تحقیقات آموزشی ایران*، ۲۹(۱)، ۹۸-۱۲۰.
- نیازی، ب.، عابدی، ح.، و سلطانی، م. (۱۳۹۶). تحلیل نقش سناریوهای آموزشی در توسعه تفکر انتقادی. *مجله علوم تربیتی*، ۴۲(۵)، ۱۴۷-۱۷۲.
- Ennis, R. H. (1993). Critical thinking assessment. *Theory into Practice*, 32(3), 179-186.
- Piaget, J. (1972). *The psychology of the child*. Basic Books.

The Impact of Scenario-Based Learning Programs on Enhancing Students' Critical Thinking

1. Maryam Ahmadi: Department of Educational Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran
2. Habibollah Rajabipour*: Department of Educational Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Abstract

The purpose of this study is to investigate the impact of scenario-based learning programs on the development of critical thinking in students. This study employs a descriptive analysis method, examining the results of various research studies in this area. The findings indicate that scenario-based learning generally has a positive effect on critical thinking and can significantly improve students' analytical and decision-making skills. The role of teachers in designing and implementing these scenarios is highlighted as a key factor in the success of educational programs. The study's limitations include the limited variety of scenarios and the influence of various factors on the research outcomes. It is recommended that future research explores a wider range of scenarios and the role of different factors in the success of these programs. The results of this article can assist educators and policymakers in designing more effective educational programs.

Keywords: Scenario-based learning, Critical thinking, Descriptive analysis, Education, Teacher's role
